

# qualvoll , verspüren روز لغت Wort des Tages

qualvoll - mit starken Schmerzen

دردناک ، زجر آور ، رنج آور ( یک صفت می باشد ) - با درد شدید

Ein qualvoller Tod

یک مرگ دردناک

Die Feuerwehr konnte ihn nicht mehr retten, und er starb qualvoll in den Flammen

آتش نشان نتوانست او را دیگر نجات بدهد و او با درد شدید و زجر آور در شعله های آتش مُرد

نکته گرامری : صفت qualvoll از دو بخش تشکیل شده است Qual و همچنین voll برای Qual به تنهایی می توان معانی زیر را در نظر گرفت :

درد بزرگ ، رنج ، زجر ، عذاب

که یک اسم مونث نیز می باشد یعنی Die Qual

اما هرگاه صفت voll به هر اسم یا صفت دیگری ترکیب شود همانند qualvoll آنگاه نقطه نهایی و انتهای یک صفت را می سازد، که qualvoll می تواند اینگونه نیز ترجمه شود.

سرشار از درد ، سر شار از رنج ، پر از رنج و عذاب

اما معمولاً ما فارسی زبان ها از رنج آور ، دردناک ، زجر آور استفاده میکنیم.

In Syrien sind Hunderte Menschen bei einem Chemiewaffen-Angriff qualvoll gestorben

در کشور سوریه ۱۰۰ نفر در هنگام حمله شیمیایی به صورت دردناکی کشته شدند.

هرگاه Qual به عنوان یک اسم مونث در جمله استفاده می شود

Er verspürte unendliche Qualen

او احساس رنج و عذاب بی پایانی داشت

verspüren یک فعل می باشد

حس کردن ، احساس کردن ، احساس به خصوصی داشتن

verspürten : گذشته ساده

haben verspürt : گذشته کامل

Lust verspüren

احساس اشتیاق و رغبت کردن

احساس خوشحالی کردن

Schmerz verspüren

احساس درد داشتن

Durst verspüren

احساس تشنگی کردن

Ich verspürte nicht die geringste Müdigkeit

من خستگی جزئی را احساس نکردم

من خستگی کمی را احساس نکردم

Der Einfluss Goethes ist hier deutlich zu verspüren

تاثیر و نفوذ گوته \* در اینجا واضح و شفاف احساس می شود

Johann Wolfgang von Goethe

یوهان ولفگانگ فون گوته

شاعر ، ادیب ، نویسنده ، نقاش ، محقق ، انسان شناس ، فیلسوف و سیاست مدار آلمانی بود.